

فطرت ناموس

گل

نکته ها گم کرده ام در شام مو چون مومیا
میروم صد چمن از خود ، گم گشته را از قفا
فطرت ناموس گل از حیای چشمت قطره ای
مستی موج دریا از توفان دل عاجز نما
از پرتو رخسارت آئینه داران منفعل
وزشمال کاکلت کشتی نشینان وار خطا
سایه مزگانگت از سرادق پرده می افکند
چشم پر نشئه ات از دختران می دزدد حیا
ابروی پر خمت بر ره صوفی افکنده کمند
کاکل مشکینت دست سنبل بسته از قفا
شیره جان ، دُر دیست از خمستان غمزه ات
چشمه حیوان شبنمیست از لعل جان فرا
دل ها پای بند هر دو گیسویت چون دیوانه ای
عقل ها خجلت زده ای افسونت در ماورا
نخره راه رفتنت به موج ناز دامن می کشد
گردش چشمانت صد چمن نرگس را خون بها
سرو بلند از سایه قامتت رشحه ای

"کف نازنینت بخون تاک بسته حنا"

فروغ غبغبیت انعکاس نور لاهوتیست

ناسوتیان سرگشته نازت در یک ادا

م.ش. فروغ کابل

2/68